

## فصل هشتم

### در کیفیت زن در اسلام

آثار پدر و مادر  
در خانواده

برای اینکه خوب فهمیده شود که تعلیمات اسلام برای اصلاح اوضاع اجتماعی و بهبود شئون حیاتی مسلمانان در درجه اول اصلاح حال زن را وجهه همت خود قرار

داده باید متوجه بود که مقیاس عظمت و حیثیت و استحکام مبانی مدنیت هر قومی را در چگونگی اخلاق و تربیت عمومی آن قوم میتوان بدست آورد. و نیز هر قومی عبارت است از خانواده‌های منفرد که از چند نفر ترکیب یافته و بشرکت یکدیگر شهرها تشکیل داده و با اجتماع چندین شهر کشوری را بوجود آورده است. بعبارت دیگر اساس قومیت و مدنیت مردم هر کشوری مبنی بر استحکام و صحت مبانی تشکیلات خانوادگی آن ملت است. عضو مؤثر و مدیر عامل در هر خانواده دو نفرند، پدر و مادر، یازن و شوهر. پدر برای تحصیل معاش و رفع حوائج خانواده مأمور مبارزات خارجی و مقابله با شدائد زندگانی است، عهده دار تربیت و پرورش اطفال که رجال آینده هر کشور محسوب میشوند مادر است. سهم مادر در تربیت فرزندان و ساختمان پایه و اساس اخلاقی طفل خیلی بیش از پدر است. دامن و آغوش او است که دبستان اولیه طفل را تشکیل داده در کیفیت و چگونگی اخلاق و تربیت آینده او دخالت قطعی مینماید. با اضافه پرورش طفل در رحم، و بعد از دامن مادر، و تغذیه طفل از خون و بعداً از شیر مادر، موضوع مهمی است که باید دقیقاً مورد توجه واقع شود. زیرا بدون تردید معنویات

و مادیات بطور متقابل در یکدیگر عمل میکنند. چگونگی اخلاق و روحیات مادر بوسیله خون و شیر بطفل او تزریق میشود.

معروف است که خاک اصفهان محکم و چسبنده است و

بهمین جهت عماراتی که در آن شهر ساخته شده، با اینکه

اغلب از خشت بنا شده، صدها سال بر جای خود استوار

تأثیر متقابل  
ماده و معنی

مانده و خواهد ماند، مانند بناهای پادشاهان صفوی. این سختی و گیرندگی

خاک بوسیله خوردن حبوبات و غلاتی که از آن خاک بعمل میآید در اخلاق

و روحیات مردم شهر تأثیر کامل کرده و آنهارا بطوریکه مشهور است خسیس

و ممسک بار آورده، بحدی که صاحب بن عباد قبل از ورود باصفهان، نزدیک

دروازه شهر بکسانش گفت: آنچه از من میخواهید الان تقاضا کنید و الا

بعد از ورود باصفهان از اجابت مسئول شما معذور خواهم بود. بنا بر این

تأثیر مادیات در روحیات انسان و بالعکس قابل تردید نیست.

با ذکر این مقدمه اهمیت تأثیر اخلاق و تربیت مادر در پرورش اطفال

واضح میشود. رابطه مرد را با مادرش نباید از نظر دور داشت. محال است

مردان بزرگ جز از مادران بزرگ بوجود آیند. تا قبل از ظهور اسلام اقوام

غیر متمدن و بت پرست بکلی از معنای رشد و رقاء فارغ بودند. اقوام متمدن

هم جز بتربیت مردان و پسران توجه و نظری نداشتند. عموماً زن جز عنصر

توالد و ارضاء شهوت چیزی نبود. اسلام ملل متمدن را متوجه این نکته

کرد که اصل توالد و تناسل بین حیوان و انسان جهت مشترکی است. آنچه

خاصه انسان است تربیت صحیح است، و الا زن با گربه ولود فرقی ندارد.

بیت القصیده تعلیمات اسلام اینست که: نظام عائله اساس نظام امت

و زن پایه و اساس نظام عائله است. پس تقدم و تأخر عقلی و فکری زن در

تقدم و تأخر اجتماعی ملت دخیل است. زن میزان خانواده است. فساد زن

فساد ، وصلاح زن صلاح خانواده است . محال است خلقی اعم از نیاش و بد ، درملتی باشد و نمونه آن خلق دردرون خانواده‌ها یافت نشود . پس رشد وارتقاء زنان هر قوم موجب رشد و انحطاط اخلاقی آنان عورت بدنی و انحطاط آن قوم خواهد بود .

دردرون وجود زن اسرازی تعبیه شده که اگر تربیت صحیح دید و تاحدی که منطبق تجویز کند آزادی یافت ظهور خواهد کرد . زن نه فقط در داخل خانواده عامل مؤثری بشمار میرود بلکه میتواند در اغلب شئون حیوة اجتماعی با مرد تشریاب سعی کند . اگر جز این باشد باید گفت : عقل و هوش و شعوریرا که خداوند مثل مرد باوداده عبث و بیهوده است . خداوند حواری از یهاوی آدم ساخت : *ومن آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً یا ایها الناس اتقوا الذی خلقکم من نفس واحد و خلق منها زوجها (۱)*

خواص زن مخصوصاً زن در امور خیریه و عام المنفعه از مرد قویتر

و فعال تر است « زیرا غریزه فطری « احساسات رقیق »  
« عواطف قلبیه » تحمل بدنی او را به نگهداری از مرضی و مجروحین و یتیمان راغب و قادر میسازد . لکن زنی که تربیت ندید و هادی نداشت این غرائز را صرف امور بی قیمت و خرافی میکند .

زنهای صدر اسلام در مصالح عامه مداخله داشته اند روایت‌های اجتماعی و اخبار و احادیث دینی و اخلاقی را اغلب زنان پیغمبر «ص» و زنان بزرگان صحابه روایت کرده اند . عده زیادی از زنان مسلمان همت بخدمت علم و ادب گماشتند .

ام عطیه میگوید : در هفت غزوه با رسول الله (ص) شرکت کردم و در

(۱) از جمله آیات خداوند اینست که از نفوس شما بر ایشان جفت‌هایی آفریده .

ای مردم بهره‌یزید خدائی را که شما و زنان را از خمیره بگانه آفریده است .

هر هفت محاربه برای سپاه اسلام غذا تهیه میکردم، نان میپختیم، مبروحین جنگ را مداوا و پرستاری میکردم. چه فرقی بین این زن مسلمان با زنان غربی امروز که عمر و وقت خود را صرف و وقف خدمت انسان میکنند می توان قائل شد؟

اسلام برای منقلب کردن اوضاع زنان جاهلیت بدو اگشتن دختران نوزاد را ممنوع کرد سپس شروع کرد بدختران احترام بگذارد. علت اینکه پیغمبر اسلام دست دختر

خدمات اسلام  
بزرگان

خود فاطمه زهرا را کراراً میبوسد (که خود کاشف از کمال احترام است) این بود که دختران و زنان را در نظر پدر و شوهر خود محترم سازد. بعداً زنان را حرام و مسلمانان را باز دواج تحریم و ترغیب نمود. نکته قابل توجه اینکه در ضمن تعریف ازدواج موقعیت اجتماعی زن و همسنگ و همسر مرد بودن او را تصریح و تثبیت نموده است. و من آیات ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها وجعل بینکم مودة ورحمة «۱»

متأسفانه این نظام جمیل که اسلام اساسش را بر مودت و رحمت قرار داده بمرور زمان در کشورهای اسلامی بصورتی درآمده بود که متفقهین آنرا عبارت میدانستند از عقده‌ی که بوسیله آن مرد میتواند از زن استمتاع جسمانی کند. انه عقد یملك به الرجل بضع المرأة. این تعریف با آنچه که منظور دیانت اسلام است تفاوت کامل دارد. «۲»

---

۱- از جمله آیات خداوند این است که از نفوس شما برایتان جفت‌هایی آفریده که مایه آرامش و سکونت خاطر شما باشند و بین شما و آنها مهر و محبت را پایه یگانگی قرار داده

۲- با وجود اینکه تعریف فوق از نکاح احتمالی و ادبی که منظور اصلی شریعت اسلام است عاری است مع الوصف نسبت بقوانین و مقررات شرایع و مده‌نیتهای قبلی روشن‌تر و برعایت موقعیت زن نزدیکتر است. نظامات قبسی در عقد ازدواج مرد را مالک همه چیز زن میدانند؛ حیثیت و هستی جان و مال و شخصیت زن را شوهر

تعریفی که قرآن کریم از ازدواج کرده بر هزاران رهروز ادبی و فلسفی مشتمل است. مودت و رحمت از همسری و هم‌قدری طرفین عقد و صمیمیت مخلصانه بین آنها حاکی است مقتضای مودت میل شدید طرفین بیکدیگر است. پس باید بکدیگر را قبل از عقد ببینند اخلاق و روحیات هم را بدانند: اینست که در همه مذاهب مختلفه اسلام نگاه زوج بزوجه قبل از عقد مستحب است. حضرت رسول (ص) بیکي از انصار قبل از عقد فرمود: «زوجت را نگاه کن تا خداوند میانه شمارا کرم سازد.»

اسلام در ازدواج حقوق زن و مرد را مساوی قرار داده: و این مثل الذی علیهن بالمعروف و عاشر و هن بالمعروف. پیغمبر فرمود: اَکْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ الطَّهْرُ بِأَهْلِهِ خَيْرٌ كَمِ خَيْرِ كَمِ لِنِسَائِكُمْ. استوصوا بالنساء خیراً «۱».

عمر بن الخطاب گفته است: بعد از ایمان برای بنده خدا چیزی بهتر از زن صالحه نیست.

اصلاح دیگری که در امر ازدواج کرد این بود که برای حفظ حرمت پدران نکاح زن پدر را چه پس از فوت پدر و چه در صورت طلاق حرام کرد مالک می‌شود. در صورتیکه در این تعریف از احاطه آنکه عقود مشعر بر مالک یا مالک است بصورت می‌ملک به الرجل ذکر شده لکن هیچ جزو را مرد مالک نمی‌شود جز استماع از او را که منحصر از زن باشد خود را فقط از این احاطه دو اختیار مرد دیگر دارد. بعکس مرد سمت بمال و شخصیت و هیچ چیز دیگر زن مالک نمی‌شود حتی پس از وضع حمل شوهر می‌سواند مال خود را بشود دادن طفل محجور کند. اگر زن بدو است پدر بایستی برای طفل دایه بیاورد.

۱- چنانچه زنان مکلفند نسبت بشوهران خود یکی کنند شوهران هم همان و بیکدیگر در برابر زن خود دارند. خوش رفتاری کنند با زنان. ایمان کسی کاملتر از دیگران است که خوش خلق تر و نسبت بزن خوش رفتار باشد. حیرتهای خوب را برای زنان بخواند. برای زنان بخیر و نیکی سفارش کنید.

جمع بین دو خواهر را نیز برای اینکه تولید بغضاء و کدورت بین دو خواهر نشود ممنوع نمود .

در طلاق هم بطوریکه سابقاً گفته شد اختیار مرد را در رجوع چه از حیث مدت و چه از حیث دفعات محدود کرد «۱»

از طرف دیگر رسم نکوهیده دیگری را که معمول به بود و با جوان مردی منافات داشت ممنوع کرد و فرمود بزنی فشار ندهید تا ناچار شود یکقسمت یا تمام صداقتش را بیخشد: وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ وَلَا يَحِلَّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا بِمَا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئاً «۲»

در عبادت زن و مرد ارزش عبادات آنها را مساوی قرار داد در صورتی که در اغلب مذاهب قبلی مثل «برهما» «بودا» «یهود» ارزش عبادت زن خیلی کمتر از عبادت مرد است . در مذهب یهود شهادت و نذر و قسم زن مقبول نیست. در مذهب مذکور مانند ایرانیان قدیم زن موقع قاعده طبیعی بایستی در اطاق و عمارت علیحده معتکف میشد با کسی حرف نمیزد تنها غذا میخورد ؛ لباس طاهر او را نجس میدانستند . خدمه ای که برای چنین زنی غذا و آب میبردند بایستی دهان و بینی خود را با پارچه ضخیمی به بندند که فضا و هوای نجس آن مکان آنها را نجس نکند .

اسلام زن را از تمام این بدبختیها نجات داد و فرمود : لا اضع عمل عامل منکم من ذکر و انثی ان المسلمین و المسلمات و المؤمنین و المؤمنات ..... الخ «۳» . درست مقدار زن و مرد را روی يك پایه قرار داده است . در احسان بوالدین فرموده : وبالوالدین احساناً و اشکر لی و لو الذیك و لا

۱- راجع بطلاق بعداً مفصلتر گفتگو خواهیم کرد .

۲- زنان را فشار ندهید تا ناچار از قسمتی از آنچه را که از شما گرفته اند صرف نظر نمایند . برای شما حلال نیست که ازداده خود بزنان چیزی بس بگیرید

۳- خداوند عمل هیکل از بندگانش چه مرد و چه زن را ضایع نمیگرداند .

تقل لهما اف «۱».

حضرت رسول (ص) فرمود: پدران وقتی چیزی میخرند و بخانه میبرند اول باید بدختران بدهند زیرا خاطر آنها لطیفتر و زودرنجتر است باز فرموده: ما اکرم النساء الا کریم وما اهانهن الا لثیم «۲» زن قابل احترام است پس کسی او را اهانت نمیکند مگر اینکه لثیم و پست باشد.

**در مواردی که کلیه مذاهب ماقبل زنا از میراث محروم کرده**  
بودند اسلام بزین حق ارث داد: از شوهر، اولاد، از برادر و خواهر و پدر و کلیه اقوام و خویشان ارث میبرد.

**تأثیر مادر در تربیت**  
قسمت اعظم اهمیتی که اسلام برای زن قائلشده از لحاظ مادر بودن او و تربیت مردان است. موضوع پرورش طفل در رحم و تغذیه او از خون و شیر مادر و تربیت در دامن او داستان بسیار مهمی است که باید مورد توجه فوق العاده واقع شود.

غزالی در باب تربیت میگوید: کودک امامتی است از طرف خداوند نزد والدین قلب طاهر او گوهری است نفیس و ساده خالصی از هر نقش و صورت قابل برای آنچه بر آن نقش کنند و متمایل بآنچه او را بدان میل دهند. اگر او را بخیر و صلاح رهنمائی کنند در دنیا و آخرت سعادت مند خواهد شد و والدین و هر گونه معلم و مربی در ثواب این خیر و سعادت با او مشارکت جویند و اگر بطرف شر و فساد سوق داده شد و در تربیت و

۱- به پدر و مادر نکمی کنند، من (خداوند) و پدر و مادر آن را شکر گذاری کنید، به پدر و مادر تان حتی اف نکوئید.

۲- مرثمان کریم و شریف زنا را کریم و اشخاص پست و فرومایه زنا را بوهمن میکنند.

۳- در مبحث ارث مفصلاً بحث خواهد شد.

تعلیم او اهمال ورزیدند بدبخت و تیره روز خواهد شد : و وزر این هلاکت روح و جسم نصیب قییم و ولی او خواهد بود . خداوند فرموده : یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم واهلیکم ناراً حفظ اهل اولاد از جحیم را بعید و والدین و مریبان گذاشته است .

بچه در سنین اولیه عمر که نفس ساده او در معرض نفوس زشت و زیبای تربیت قرار میگیرد و شالوده تربیت اساسی او در همان ایام ریخته میشود بین زنان- مادر عمه خاله و سایر اقوام زنانه محیط است . پس طرز بار آمدن طفل در گرو تربیت اخلاقی زنان خانواده او است .

بر طبق عقیده بعضی از متأخرین فلاسفه : نفوس جزئیه **حدوث و قدم**  
ذاتاً و زماناً هر دو حادثند روح هر فرد با جسم او حادث  
نفس  
میشود منتها بعد از فنای جسد باقی است . برخلاف سابقین

که معتقدند نفوس جزئیه هم مثل نفس کلی قدیم زمانی است و قبل از تعلق بجسم سعادت یا شقاء آن متحتم و تغییر ناپذیر است متأخرین از فلاسفه می گویند فقط نفس کلی قدیم زمانی است و نفوس جزئیه مثل جسم زماناً هم حادثند . صدر المتألهین شیرازی میگوید : « النفس جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء » .

بنابر این سعادت یا شقاء هر نفس از انعقاد نطفه و خلقت جنین شروع میشود « الشقی شقی فی بطن امه و السعید سعید فی بطن امه » هم اینست که اگر انسان از نطفه سالم و پاک در رحم طاهر و متقی بوجود آمد و از خون مادر پارسا و شریف تغذیه کرد و بعداً هم از شیر مادر یادایه پاکدامن ارتضاع نمود روح او سعید و زکی و در غیر اینصورت شقی خواهد شد .

همانطور که صحت و فساد جسم مولود تابع صحت و فساد مادی



نطفه و رحم و مزاج پدر و مادر است سعادت و شقاء روح هم تابع آثار معنوی روح پدر و مادر که در نطفه و رحم ظهور کرده است میباشد. از اینجاست که انسان خالقیات پدر و مادر را بمیراث میبرد. الولد سر رایبه

منتها بطوریکه در ابتدای این فصل گفته شد مادیات و معنویات هم در یکدیگر اثر متقابل دارند خون و شیر پاك در کیفیت تکوین روحیات و خالقیات مفل مؤثر است.

اینستکه دیانت اسلام از نظر تربیت فرزندان خوب بمادر خوب اهمیت میدهد. در ازدواج دستور داده: نهایت مراقبت را بجای آرند: سلامت روح و جسم زن را مورد نظر قرار دهند در زن و خانواده او در درجه اول تقوی و شرف اخلاقی را جستجو کنند و در درجه دوم مواظبت کنند زن ناقص الخلقه و گرفتار امراض علاج ناپذیر نباشد. موقعیکه زن آبستن است و بعد تا مدتی که مفل شیرخواره است بمادر یا دایه تندی و اهانت نکنند هنگام انتخاب دایه زیر بغل و دهان او را امتحان کنند بوی بدن دهد: بالجمله زن از لحاظ اخلاق خانوادگی و شخصی شریف و متقی و از نظر جسم سالم و تام الخلقه باشد تا نطفه پاك از صلب طیب پدر در رحم ظاهر مادر طفلی بوجود آورد که تغذیه از خون و شیر پاك مادر برای کشور فرزند رشید و صالحی گردد. اینست خلاصه تعلیمات اسلام در پرورش و تربیت فرزند

رضاع  
نا گفته نماند که دیانت اسلام بقدری به تربیت فرزند اهمیت داده که بنام عواملی که ممکنست در تربیت کودک مؤثر

باشد توجه خاصی مبذول داشته است. موضوع رضاع در هیچیک از شراعی و ادیان قبل از اسلام مورد توجه و گفتگو نبوده اسلام برای اولین بار در احکام خود برای رضاع مبحث مخصوصی قرار داده مقررات و قواعد خاصی

قائلشده الرضاع لحمه كلمحة النسب يحرم من الرضاع ما يحرم من النسب.  
آثار رضاع را مثل آثار نسب مقرر داشته است.

تبسی  
بی مناسبت نیست اصلاح دیگری را که اسلام در امور  
خانواده ها کرده یاد آور شویم: در عرب جاهلیت مثل تمام

اقوام جاهل و متمدن «تبی» رائج بوده است. چنانچه در تمدن روم و یونان  
و ایران دیده شد برای حفظ نسل خانواده هایی که پسر نداشتند پسر خانواده  
دیگری را بعنوان پسر خواندگی بجای پسر حقیقی خود قبول میکردند.  
تمام احکامی که برای پسر واقعی بود بر پسر خوانده نیز بار میشد یعنی مثل  
پسر ارث میبرد محارم پدر خوانده محارم او بودند نکاح زن مطلقه پسر  
خوانده چون نکاح زن مطلقه پسر ممنوع بود علت اصلی این بود که  
خویشاوندی حقیقی را فقط بین مردان و پسران فرض میکردند. از بس  
زن حقیر و ناچیز بود حاضر نبودند رابطه نسبی بین پدر و دختر و مادر و  
پسر فرض کنند. وجود دختر برای بقاء نام و نشان پدر و خانواده پدری  
کافی نبود.

اسلام از دو نظر با این رویه مخالف بود: یکی اهمیت دادن بدختر  
و دیگر نسخ عادتی که خلاف طبیعت بود. اینست که پیغمبر اسلام «ص»  
اولاد دختر خود حسنین<sup>۴</sup> را فرزندان خود خواند. یعنی اهمیت مادرشان  
و استحکام رابطه پدر و فرزندی پیغمبر ص با فاطمه<sup>۴</sup> از طرفی و رابطه مادر  
و فرزندی فاطمه<sup>۴</sup> با حسنین<sup>۴</sup> از طرف دیگر بقدری است که این دو پسر  
پسران پیغمبرند.

اصل خون و همخونی در اسلام محترم شمرده شده بطوریکه بعداً  
خواهیم دید در مبحث ارث مأخذ تقسیم میراث در اسلام مثل روم قدیم و

بر خلاف ژرمن ها خون و همخونی است . بنابراین خلاف قاعده و طبیعت است که ارث متوفی بکسی داده شود که با او همخون نیست و فقط عنوان پسر خواندگی او را در خانواده متوفی وارد کرده است . روی همین اصل در وصیت متوفی نمیتواند مازاد از ثلث ترکه را جز بورثه قانونی خود واگذار کند . در مازاد از ثلث بدون رضا و امضای ورثه وصیت نافذ نیست . اسلام با بقای رسم تبنی پسر خوانده را با پسر واقعی فرق کلی گذاشت . اینجاست که داستان زینب و زینب حل میشود : این موضوع ساده و در عین حال مهم که جز نسخ عملی عادت غلط اعراب داعی و موجبی نداشته در نظر نادانان و مغرضین صورت عجیبی بخود گرفته است .

بمراجعه به متن قرآن و آیه ای که این موضوع را شرح کرده مطلب بخوبی روشن میشود . زینب دختر جهش بن عبدالمطلب عموزاده پیغمبر و ریبیه او یتیم بوده از کودکی در دامان پیغمبر به تربیت شده اولاً حجابی در کار نبوده تا پیغمبر به صورت او را ندیده باشد و ثانیاً بر فرض بودن حجاب تا بلوغ زینب به حد رشد قطعاً دستوری راجع به حجاب نرسیده بود . پیغمبر «س» زینب را در دامان خود پرورش داد و بنابراین او را بخوبی دیده و شناخته بود . اگر ازدواج با او را میخواست مانعی در کار نبود . وانگهی نکاح زینب در موقعی که باکره بود خیلی مطلوب تر و مطبوع تر بوده تا موقعیکه نیه و بیوه شده بود . حیثیت و عظمت موقع محمد به بقدری بود که هر زن محترم و آبرومندی میل داشت زن او بشود . خدیجه متمولترین و با حیثیت ترین زنان عرب قبل از ظهور و دعوی نبوت زوجه او شد . تزویج زینب محتاج تهמיד مقدمه نبوده است .

پیغمبر به میخواست عادت غلط اعراب را که صدها سال در روح

آنهاریشه گرفته بود باطل کند. اعراب نمیتوانستند باور کنند پسرخوانده غیر از پسر است. پیغمبر ص تصمیم کرد زینب را که تحت تربیتش بود با زید که پسرخوانده او بود تزویج نماید.

انجام این ازدواج کار آسانی نبود زیرا طرفین میل نداشتند. زینب و برادرش از لحاظ اینکه از خاندان قریش و اشراف عربند مایل نبودند با زید که غلامزاده و فاقد حیثیت خانوادگی است وصلت کنند. زید هم چون میدانست زندگی با زنی که از حیث شرف و فضیلت میراثی و حسب و نسب بر او برتری دارد مشکل است پیغمبر بهر دو امر کرد اطاعت کنند. آیه نازل شد که باید مؤمنین صلاح دید نبی را بپذیرند و از گفته او سرپیچی نکنند پیغمبر مبالغی برای مهری زینب از مال خود داد. بالاخره ازدواج سرگرفت لکن چنانچه پیش بینی شده بود این وصلت دوام نیافت: زینب بر زید مفاخره میکرد زید میآمد نزد پیغمبر و از زندگی خود شکوه میکرد. حضرت رسول «ص» او را نصیحت میکرد: امساک علیک زوجک و اتق الله. بالاخره موفق شد موافقت پیغمبر را در طلاق زینب جلب کرده او را طلاق دهد. پس از اینکه طلاق داد پیغمبر برای برهم زدن رسم غلط اعراب با زینب مزاجت کرد. و بدینوسیله عملاً فهماند که پسرخوانده غیر از پسر است و زن مطلقه او را میتوان تزویج نمود.

پیغمبر اسلام ص برای این منظور مهم مأموریت و نقشه و تصمیم قبلی داشت. مخصوصاً پیش بینی میکرد که زناشوئی زید با زینب دوام نخواهد کرد. مخصوصاً برای زید زنی را در نظر گرفت که اولاً تحت تربیت و کفالت خودش باقی و امر او را با آسانی اطاعت کند و ثانیاً نظر بجهاتی که ذکر شد طرفین طوری بیکدیگر متمایز نباشند که قطع علقه زوجیت موجب

نگرانی آنها و خلاف اخلاق و انصاف باشد. « و تخفی فسی نفساک ما الله  
مبدیه ۱۴ البته منظور همین مأموریت مهم بوده والا ازدواج پیغمبر ص با  
زینب یا هر زن و دختر دیگری موجب افتخار زن و خانواده او میشد و  
معنی ندارد پیغمبر زینب را که خود تربیت کرده پس از ازدواج بازید روزی  
تا گهان ببیند و بدو مایل شود و زید از نظر رعایت میل پیغمبر او را طلاق گوید  
تا بزوجیت رسول الله ص در آید. ۱۰!

در هر حال دین مبین اسلام با افکار عالیه اجتماعی خود دنیا را منقلب  
ساخت. زنان را از حضیض مذلت و سیه روزی نجات داد. اساس خانواده  
ها را بر روی پایه مهر و محبت و عدل و نصفت قرار داد. برای تربیت اطفال  
مادران عالم و متقی پرورش داد. آزادی و حیثیتی که بزنان اعطا نمود در  
ایجاد صلاحیت و لیاقت مادران برای تربیت فرزند تأثیری بسزا بخشید

همچنان که در تربیت مادی و بدنی زن و مرد بالغ آنستکه بتواند  
تولید مثل کند در تربیت اخلاقی و معنوی هم پدر و مادر بالغ و لایق آنست  
که بتواند فرزند رشید و صالح پرورد زن و مردی که فاقد این لیاقت باشند  
نابالغند و حق ازدواج و تولید مثل ندارند. این نکته اجتماعی است که  
امروز دنیای زنده زیاده از حد بآن اهمیت میدهد.

مادرانی که اسلام تربیت کرد توانستند فرزندان بی پروردند که بیشتر  
دنیای معصوم و خویش را تحت تأثیر گرفته آداب و رسوم ملی و دینی  
خود را بر ساکنین کره ارض تجمیل کنند و در راه موفقیت هر اثر کوچکی بر  
حادثه و ترس از آنرا بزرگترین ننگ بشمارند.

---

۱- و پنهان میکنی ای پیغمبر در نفس خود چیزی را که عاقبت خداوند افشا

بنا بر آنچه گفته شد باید پیش از پیش به تعلیم و تربیت دختران و زنان همت گماشت و از بذل هیچگونه مجاهدتی در این راه مضایقه نکرد تا کشور ما هم در آینده فرزندان رشید و شجاع راستگو و میهن دوست بار آورد و عملاً بتوانیم شرف و استقلال سیاسی و ادبی و اقتصادی خود را از هر گونه خطری مصون و محفوظ داریم،

## فصل نهم

### وتمدنیت زن در قبائل قزیز و تمدن

برای اینکه بهتر بتوانیم بتأثیر تمدن و مدنیت و ارزش خدماتیکه ادیان آسمانی پیغمبران مصلحین و متفکرین بجامعه بشریت کرده اند پی ببریم و درست مقدار منتی را که عموم رهبران و راهنمایان دینی خاصه پیغمبر اسلام بر افراد انسان و مخصوصاً زنان دارند بنهیم باید اوضاع و احوال اجتماعی زنان را در طولانی دور از تمدن و دیانت‌های الهی در عصر حاضر مطالعه کرد تا معلوم شود که آنچه در فصول گذشته راجع باوضاع زنان در تمدن‌های قدیم رم و یونان و غیره گفته شد افسانه نیست چه آنکه هم اکنون زنان قبائل وحشی و بت‌پرست در منتهای مذات و زبونی در ردیف حیوانات اهلی و اغنام و چارپایان بارکش و سودمند زندگی میکنند.

گرچه از یکی دو قرن پیش باین طرف در نتیجه استعمار این قبائل و تصرف این نواحی از طرف دول معظمه غربی تا حدی وضع زندگانی و آداب و رسوم اجتماعی آنها بهبودی و از خشونت و بربریت سابق نجات یافته است لکن مع الوصف بیشتر عادات سخیف و ای که دیلاً خواهیم دید مانند اعصار اولیه در آن اقوام بقوت و شدت خود باقی است.

**غلبه قوی** اساساً در مجتمعات انسانی فکر حق‌گذاری و داد‌گستری،  
**بر ضعیف** احساسات رحمت و رأفت نسبت بقضاء و ستم‌دیدگان ثمره  
تربیت‌های عالیه و مدنیت‌های راقیه است. این قبیل افکار و عواطف در  
اقوام خشن و بربری که افراد آن نمونه‌هایی از دیو و عفریت افسانه‌های  
قدیمند کاملاً بیگانه و دور از تحقیق میباشند.

بنا بر این چون در تمام نقاط عالم زن همیشه از مرد ضعیفتر بوده باید منتظر بود سر نوشت او را قانون « غلبه قوی بر ضعیف » تعیین کند . بهمان نسبت که جامعه خشن تر و بدوی تر است نفوذ و قوت قانون فوق الذکر بیشتر و قطعی تر خواهد بود . اینست که میتوان گفت اوضاع و احوال زنان هر قوم از حیث لطف و خشونت نماینده درجه تمدن و توسعه فکری آن قوم خواهد بود .

زن در راستر الیازن حکم حیوان اهلی را دارد که فقط برای دفع شهوت استرالیایا و تولید نسل بکار میآید . در سابق مورد استعمال دیگری را هم داشت که در نقاطی که تاحدی به تمدن نزدیک شده اند کم و بیش منسوخ شده است : سابقاً در مواقع قحط و غلاء زن را کشته و میخوردند !! شغل اصلی مرد جنگ و شکار است در میان گردیها زن باید با بچه های خود و انانیه مختصری به همراه مرد حرکت کند .

در سواحل رودخانه ها زن ب ماهی گیری مشغول شده عنصر اساسی تغذیه خانواده را بدین وسیله فراهم میسازد . لکن حق ندارد با شوهرش غذا بخورد . باید صبر کند پس از سیر شدن شوهر اگر چیزی ماند او را تناول نماید . زناشوئی این طوائف جز فحشاء ممتد چیز دیگر نیست . شوهر یا مولای زن هیچگونه عاطفه مهر و مودتی نسبت به زن در قلب خود احساس نمیکند . زن در نظر او شیئی و شیئی بسیار کم بهائی است . کشیش معروف : سالوادوا در کتاب خود موسوم به « خاطرات استرالیایا ۲ » حکایت میکند : که یکروز غروب صدای هیاهو و جذبجال شدیدی شنیده شد و آنها فریادهای هول انگیزی میکردند . بر اثر صدا دویدم . هشت نفر



زن کنار اجاق در مطبخ یکدیگر را بشدت هر چه تمامتر با چماق های سنگین میزدند . نصایح و میانجی گری من در برابر این حیوانات درنده سودمند نیفتاد ناگزیر با عصای آهنین خود چند ضربه بر کتف و شانه دو نفری که از همه شیر تر بودند زده بالاخره آنها را از هم جدا ساختم و به جدالی که موجب شکستن چندین سر و خورد شدن چندین کتف شده بود خاتمه دادم . خون بهر طرف جاری بود . لطفد استان اینجاست که شوهر ان این زنان کنار مطبخ با نهایت خونسردی و بی اعتنائی نشسته و بر این منازعه خونین میخندیدند . من با کمال تعجب از آنها پرسیدم که چگونه نشسته اندومی بینند زنانشان نزدیک است یکدیگر را بکشند جواب دادند انتظار داری در جدال مشتکی زن مداخله کنیم گفتم اگر یکی از آنها در این میانه کشته شود چه خواهید کرد ؟ باخنده مسخره آمیزی جواب دادند : چیزی نیست اگر یکی بمیرد هزار زن دیگر برای ما هست .

معمولاً بعد از مرگ شوهر زن پس از اتضای عده سه روزه ملك برادر شوهر میشود . نکته قابل توجه اینکه زنان استرالیائی کمتر بمرگ طبیعی میبیرند عموماً قبل از حلول اجل هنگامیکه زن مریض میشود با بی توجهی در مرگ او تسریع مینمایند گاهی هم بدون مقدمات بیماری او را خفه میکنند زیرا اگر زیاد عمر کند پیر شده و مقدار زیادی از مواد غذایی را خواهد خورد .

زن در بی مناسبت نیست عادتی را که فلاماریون فیلسوف و منجم جزیره ویتنی فرانسوی در کتاب « مشاهدات علمی » خود<sup>۱</sup> برای اهالی جزیره ویتنی<sup>۲</sup> نقل کرده ذکر کنیم :

۱ - Camille Flammarion «Contemplations Scientifiques»

جواب چهارم صفحه ۹۸

۲ - ویسی یا فیجی شبه جزیره ایست در ملانزی متعلق به انگلیس بین هاید جدید

و جزائر توندا واقع است .

« مردم این سامان از روی عواطف مهر انگیزی که نسبت بوالدین خود دارند برای اینکه ابویانشان دچار دوره پیری و ضعف و سستی نشوند پدر و مادر را از سن چهل سالگی زنده زیر خاک می‌کنند. روز معین تمام افراد خانواده با شادی و وجد تمام کنار مقبره ای که قبلاً تهیه شده جمع میشوند: قربانی بیچاره چون می-خواهد به عالم ارواح مسافرت کند با یکایک کسان و دوستان تودیع کرده در داخل حفره دراز می‌کشد. پسران روی او خاک ریخته سر مقبره را میپوشانند. این عادت در نظر ایشان مطلقاً جنبه بی رحمتی و قساوت ندارد بلکه عمل صالحی تلقی میشود و علت اینکه سن چهل سالگی را انتخاب میکنند اینست که وسط تقریبی عمر و کاملترین سنین زندگی است و به گمان ایشان متوفی در روز بعث اموات با همان حالت قوت و کمال برانگیخته میشود. »

در همین جزیره مرد میتواند زنش را بفروشد یا بکشد اغلب زنان بیچاره را برای کوچکترین گناهی بدرخت بسته شلاق میزنند. در کالدونی جدید (اقیانوسیه) زن حق ندارد با مرد غذا بخورد حتی مسکن او هم علیهمده است. سنگین ترین کارهای زندگی سهم زن است.

چنانچه سابقاً گفته شد چون طرز تفکر و تمدن اقوام مختلفه و وحشی هم سطح و یکدیگر نزدیک است آداب و رسوم آنها هم کاملاً متشابه است. مخصوصاً در بد رفتاری با زنان میتوان گفت هیچگونه تفاوت محسوسی یافت نمیشود. ملاک و مأخذ همان ضعف و بی نوائی است که در عموم طوائف و وحشی زنانرا به یکسان دچار ستمگری مردان کرده است. وضعیت زن افریقائی بهیچوجه بهتر از زنان اقیانوسیه نیست. فقط چون اغلب نقاط افریقا حاصلخیز و شکار گاه است و بیشتر سیاهان افریقائی شبان و زارعند و بالنتیجه مواد غذایی و فوورد دارد در افریقا کمتر از اقیانوسیه بخوردن زنان مبادرت میکنند. مع الوصف سرسا موئل بیکر سیاح انگلیسی در کتاب « کشف دریاچه آلبرت نیانزا »<sup>۱</sup> جشنی را که در « گوند و کرو » روی

---

(۱) Sir Samuel Baker که با افریقائی مرکزی مسافرت و دریاچه آلبرت نیانزا

را در سال ۱۸۶۴ کشف کرد.

ساحل نیل علیا دیده نقل میکند که : در آن مهمانی طعامی که برای مدعوین تهیه شده بود از گوشت بدن زنان و کودکان معصوم و سیاه پوست افریقا بود .

**زنان آفریقائی** در بیشتر نقاط افریقا ساختن عمارات ، بافتن حصیر و فرش ؛ شخم زدن زمین ، کشتن و آبیاری شغل زنان است و مردان حتی کوچکترین کمکی را حاضر نیستند بزنان بکنند . در بعضی نقاط دیگر حتی شغل سلمانی و جراحی و باربری نیز مخصوص زنان است . مردها فقط خیاطی و رخت شویی و گاهی آهنگری را بخود اختصاص میدهند . عموماً مشاغل اختصاصی مردان جزو مکاسب شریف و آبرومند شمرده میشود : مثلاً در افریقای جنوبی آهنگری از مشاغل محترم محسوب است و آهنگر را « طیب آهن » میخوانند . آهنگری فن صنعتی و عامی است و گاهی برای شاعل خود حقوق سیاسی ایجاد میکند . در افریقای مرکزی مثل اقیانوسیه زن از غذا خوردن با شوهر ممنوع است فرزندان مطلقاً گوش بمادر نمیکنند . پدر خانواده روی کوچکترین بهانه عیال خود را بحدی میزند که مشرف بموت میشود .

عجب تر آنکه زن بدبخت طوری این وضعیت را برای خود عادلانه میدانند که مطلقاً از این سرنوشت شکوه ای ندارد .

در نقاط هتمدن تر افریقا روزگار زن کمتر از سایر طوائف سیاه نیست . در سنگامبی و دارفور<sup>۱</sup> زن باید رکاب شوهر را هوامع سوار شدن بگیرد<sup>۲</sup> .

۱ - Sénégambie واقع در افریقای غربی و Darfour واقع در سودان است .

۲ - پیغمبر اسلام ص از نظر تعظیم موقع زن برای زیبای خود موقع سوار شدن رکاب میگرفت و اغلب زانوی خود را زمین میگذاشت تا زنها پای خود را روی زانوی او گذارده سوار شوند .

اغلب سیاحان زنهای این سرزمین را دیده اند آذوقه و محمولات سنگین را دوش گرفته پیاده دنبال شوهر و مولای خود که برالاغ سوار است راه پیمائی میکنند. در مقابل شوهران آنها را بقیامت کم در برابر پول یا هدیه به بیگانگان میفروشند.

زن در درپولینزی<sup>۱</sup> بین دختر و زن شوهر دار از لحاظ آزادی پولینزی و هوسرانی تفاوت زیادی است. دختران تا شوهر نکرده اند

میتوانند بهرجا و بهر ترتیب و با هر کس میخواهند رفت و آمد کرده هر گونه فحشائی را مرتکب شوند. و بمحض اینکه شوهر کردند حکم مزروعه ای را پیدا میکنند که تحت سیطره مالکیت زارعی در آمده و هیچکس حق ندارد بدون رضای مالک بحقوق مسلمه اش تعدی نماید. بهمین نظر زنای زن شدیداً ممنوع لکن در عین حال مجبور است بر حسب امر و تجویز شوهر و بنفع او یا هر مردی که شوهر صلاح بداند هم بستر شود. در اغلب جزایر مزبور زن بایستی غذای مرد در تهیه کند یا میوه های جنگلی را با زحمت فراوان جمع آوری کرده یا ساعت ها در ساحل رودخانه ها تا کمر در آب و صورت مقابل آفتاب سوزان ایستاده و مشغول صید ماهی است. اینجاست مثل نقاط سابق الذکر زن باید صبر کند تا شوهرش سیر شود اگر چیزی ماند بعداً زن و دخترانش میتوانند بخورند. باضافه لباس و سلاح و کلاه مردان برای دختر و زن طوری مقدس است که حق ندارند بآنها دست بزنند مخصوصاً سر مردان بطور خاصی تقدیس شده و زنها حق ندارند موقعی که مردان در خوابند از بالای سر آنها عبور کنند.

در جزایر مارکیز<sup>۲</sup> غذاهای لذیذ از قبیل گوشت و مرغ و خوک و نارکیل و گردو اغذیه الهی نامیده میشود: این اطعمه مخصوص خدایان

و مردان است زنهارا باین قبیل غذاها حتی وطمعی نیست . جواز خوردن گوشت خوک در مذهب مسیح برای زنهای این جزائر مؤثرترین عاملی بوده که آنها را به مسیحیت سوق داده است . در جزیره راپا زنها باید لقمه در دهان مردانشان بگذارند . درزلاند جدید باربری مخصوص زن هاست و این شغل برای مردان موجب هتاک شرف و حیثیت شمرده میشود .

زن در درقبائل وحشی نواحی هنجمده شمال امریکا مثل طائفه شمال امریکا فوئریها در جمیع فصول سال و حتی زمستان طاقت فرسا زنان بی نواچه برای صید ماهی وچه برای خارج کردن آب از قایق های ماهیگیری باید داخل آب شوند . ساختن کلبه های مخصوص بختی و یارو زدن قایقها از مشاغل اختصاصی زنان است . حتی زنان آبستن یا مرضعه نیز از این مشاغل معاف نیستند . زن شیرده باید در موقع کار نوزاد شیرخوار خود را در پوستی پیچیده به پشت خود حمل نماید . مردان بیش از چند ساعت کار ( شکار کردن ) در هفته ندارند بقیه اوقات بیکاری را بتفریح و وتفنن میگذرانند .

بعوض این خدمات و بیکاریها در ایام قحطی زنهای بیرا که دیگر کار آمد نیستند خفه کرده میخورند .

خفه کردن طرز خفه کردن این است که سر زنها در حفره ای که از زنان دود ذغال و هیزم یر شده نگاه میدارند تا خفه شود<sup>۱</sup> .

در اغلب قبائلی که ذکر شد خانواده ها از ترس دستبرد و ششیخون یکدیگر که در عموم طوائف وحشی امر رایجی است باید شبها بوسیله

---

۱. Fitzroy: «Voy. de l'Aventure et du Daigle.» Darwin: «Voy. d'un Naturaliste» p. 230. La Sociologie 3me Edition, p. 175

پاسداری خود را از خطر حمله و هجوم دشمن حفظ کنند . انجام این کار هم بعهدہ زنانی است کہ تمام روز را بمصاعب و متاعبی کہ ذکر شد گرفتار بوده اند . مردان براحتی میخوابند زنان خانوادہ باید آتشی روشن کرده کنار آتش تا صبح پاس دهند .

در یکی از قبائل وحشی افریقا کارائیب ها عادت عجیبی

رسم عجیب

وجود دارد کہ بیچوجه نمیتوان منطقی ولو کودکانه

برای آن فرض کرد : در تمام جمعیت های بشری زن موقعی کہ وضع حمل کرد بایستی مدتی استراحت کند منتہا بہ نسبت شدت وضعف تمدن و مقتضیات طبیعی محیط و قوای جسمی زن مدت و کیفیت استراحت تغییر میکند بلی در طوائف چادر نشین و صحرا گرد از لحاظ فقدان وسائل استراحت و قوت مزاجی زن و حقارت و بی اهمیتی اجتماعی او ممکن است اصولاً حق استراحت بسا و ندهند و چنانچہ اغلب دیدہ شدہ زن بلافاصلہ پس از زائیدن باید بکار خود مشغول شود لکن در این طائفہ عادت عجیب و شگفت انگیزی دیدہ میشود و آن اینست کہ در موقع وضع حمل زن باید بلافاصلہ بکار مشغول شود و در عوض او مرد در بستر نقاہت و استراحت آرمیدہ برای او طبیب و دوا میاورند<sup>۲</sup> !

زنان آسیائی در اقوام نسبتاً متمدن آسیائی نیز وضع زنان خوب نیست

« مثلاً در تبت و چین گرچہ زنان حکم حیوان بازکش

ندارند لکن مادام العمر از لحاظ اختیارات اجتماعی صغیر و تحت قیومیت پدر یا شوهر میمانند .

۱ - Caraïbes

۲ - Flammarion: Contemplations Scientifiques p. 101

Camille کامیل فلاماریون حکیم و ستارہ شناس معروف فرانسوی در کتاب مشاهدات علمی .

لباس و آنچه را لمس میکنند نجس میشود باید در گوشهٔ انزوا بمانند .  
نکتهٔ قابل توجه اینکه نظیر این توهم در اروپای متمدن نیز وجود دارد :  
بعضی از ملوانان معتقدند وقتی که در کشتی در نزدیکی ملوان زن حائضی  
باشد قطب نما طوری که باید صحیح کار نمیکند .

نتیجهٔ اینکه از مطالعهٔ این فصل گرفته میشود اینستکه  
آثار ادیان  
توحید  
ادیان آسمانی و مذاهب توحید موجب ظهور تمدن های  
راقیه در نوع بشر شده اند که انسان را از جهل و تیره  
روزی نجات داده و حقوق و حدود مرد و زن را بطوری که عقل و منطق  
تجویز میکند تشریح و تحدید نموده و مخصوصاً زن جنس لطیف و ظریف  
آفرینش را از تحمل این همه رنج و عذاب خلاصی بخشیده و سائل آزادی  
و ظهور مواهب و ودایعی را که ناموس فطرت در او تعبیه نموده فراهم  
ساخته است .

بر کلیهٔ افراد بشر خاصه زنان است که از خدمات انبیاء و مساعی  
جمیله ای که بزرگان و مصلحین عالم بشریت در راه احیاء سنت خلقت بکار  
بسته اند شکر گذاری نموده برای همیشه خود را رهین احسان و منت این  
مردان عالی قدر و رجال بزرگوار آسمانی دانسته عظمت روح و فکر و  
خلوص عقیده و طهارت ضمیر آنها را تقدیر نمایند .

## فصل دهم

### کیفیت تصور موقیعت زن در دنیا

شیلر شاعر و فیلسوف معروف آلمانی میگوید: « در انتظار اینکه فلاسفه و متفکرین بتوانند با افکار روشن خود بر عالم حکومت کنند علی العجاله شکم و شهوت بنیابت فلاسفه این شغل را انجام میدهند ».

بطور تحقیق محرک قوی و اولیه انسان در ترقیات گرسنگی

عوامل محرکه  
انسان

بوده. این عامل فعال از بدو پیدایش بشر تا کنون با حرارت

تمام مشغول فعالیت است، و بیشتر پیشرفت‌ها را انسان‌مدیون

او است. شواهد تاریخی نشان میدهد که انسان برای ارضاء این حاجت

طبیعی هیچگاه آرام نگرفته چه بسا جهانگشائی‌ها، فتوحات و کشتارهای

خونین را می بینیم که این حس سبب شده. ابداعات اولیه انسان از قبیل

شکار، ماهیگیری، زراعت، تمام صنایع و حتی مؤسسات و سازمانهای اجتماعی

همه مرهون این احتیاج است.

انسان بدوی مثل بشر هتمدن وراقی ناگزیر است برای

گرسنگی

رفع گرسنگی و اشباع نسکم قسمت اعظم قوای خود را

بکاربرد و پس از اینکه داخل حیات اجتماعی شد ناچار میشود قوای بیشتری

در این راه صرف نماید زیرا وقتی بتنهائی زندگی میکرد دیگران مزاحم

او نبودند و فقط بایستی با مشکلات و موانع طبیعی نبرد میکرد. لکن در

این مجتمع ناچار است علاوه بر نبرد با طبیعت از منافع خود نیز دفاع و با

آدمیانی که بر سر مواهب طبیعت و مواد زندگی با او مزاحم دارند مقابله



و مبارزه کند، ولی در عین حال متوجه میشود که اگر بخواهد در میان مجتمع منفرداً زندگی کند قوای او بتهائی برای تحصیل رزق و دفاع از مزاحمین کافی نیست و در سایه اجتماع و تعاون دیگران بهتر میتواند بتأمین منظور خود موفق گردد زیرا در میانه مجتمع بوسیله ایجاد روابط خاصی با دیگران از قبیل قرابت، دوستی، همکاری و تشریک منفعتمیتواند یاران و معاونینی برای خود تهیه کند که بکمک آنها بر مشکلات طبیعت و مزاحمت اغیار غلبه یابد.

از اینجاست که میتوان گفت حس احتیاج به سیر کردن شکم موجب پیدایش اجتماعات و صنایع مؤسسات اجتماعی شده و جمیع آثار و مظاهر مدنیت بشری را بوجود آورده است.

**نزاحم و تبرز** از روزی که انسان منفرد وارد مرحله زندگی اجتماعی شده تنازع و مزاحمت افراد يك جامعه با یکدیگر تا حدی جای خود را بتعاون و معاضدت افراد با یکدیگر وا گذاشته است لکن در حقیقت تنازع مزبور کماکان باقی مانده و بلکه بشدت خود افزوده است. این دفعه بجای منازعات فردی نبرد و مبارزه بین جماعات و اقوام شروع شده است. شدت و وحدت این نبرد دائر مدار قوت و شوکت جماعات است. هول انگیزترین مبارزه ها بین قویترین اقوام دیده میشود. هر چه انسان اجتماعی تر میشود از طرفی توالد و تناسل و بالنتیجه تعداد افراد بیشتر و از طرف دیگر توقعات و احتیاجات آنها روز افزون میگردد و بهمین نسبت بمواد حیاتی زیادتری نیازمند شده برای تحصیل و تدارك آنها بامشکلات و موانع طبیعی بیشتری برخورد میکند اینست که بر فعالیت قوای دهانگی خود برای مقاومت با طبیعت و نبرد با مزاحمین میافزایند.

در این کشمکشها بر اثر بکار رفتن قوای مختلفه انسان طبیعتاً اقویا